



مداوم شکل گرفت و به نوبه خود به تعمیق روابط راهبردی خارجی انجامید. تنظیم برنامه بلندمدت و راهبردی افق سال ۲۰۰۰ برای اولین بار در ارتباط با اتحاد جماهیر شوروی جزو مصوبات اولیه بود. به گونه‌ای که بازسازی خط لوله صادرات گاز به شوروی و انعقاد قرارداد جدید گازی همراه با راه‌اندازی پالایشگاه ولی عصر(عج) کنگان و تسریع این پروژه از مهم‌ترین اتفاقات اقتصادی بود که باعث شد آغاز عملیات صادرات گاز متعاقباً در دولت سازندگی شروع شود و پس از فروپاشی شوروی کل صادرات گاز صرف گازرسانی به شهرها و روستاهای پهنه غربی کشور و مصارف صنعتی گردید.

رویکرد ما نسبت به تشکیل و توسعه کمیسیون‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی با کشورهای خارجی، گسترش همکاری با کشورهای بی‌دولت که عملاً به همکاری با ما تمایل داشتند. ما معتقد بودیم: «کمیسیون‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی، تمایلی دوجانبه برای رسیدن به روابط اقتصادی راهبردی با کشورهای همکار و در نتیجه همکاری‌های جامع سیاسی، علمی، فنی، فرهنگی با کشورهای همکار دارند، نه اینکه صرفاً با برخی کشورهای غربی که از نظر روابط سیاسی مقابل ما قرار داشتند و همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور بیشتر به نفع آنها جریان داشت، برای مثال این کار در مورد انگلیس صادق است. بطوریکه حتی کاردار آن اظهار کرده بود: «کاهش سطح روابط سیاسی مهم نیست، مهم این است که روابط اقتصادی و صادرات به ایران پابرجا باشد!»

**من در جایی خواندم اتفاقات جالبی نیز در کمیسیون مشترک ایران و شوروی رخ داد؟**

بله، در سفری که برای برگزاری اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و شوروی داشتیم، در ملاقات با آقای رشکین نخست‌وزیر شوروی، وی برای اولین بار پیشنهاد مذاکره با جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با حل و فصل مشکل جنگ افغانستان را مطرح کرد. پس از کودتا علیه ظاهرشاه، افغانستان آن زمان در دست کمونیست‌ها و ببرک کارمل بود و مجاهدان افغانی درگیر جنگ گسترده و طولانی با حکومت افغانستان بودند و پس از سال‌ها شوروی‌ها پیگیر میانجیگری ایران برای خاتمه جنگ شدند. البته بعدها مجاهدان در افغانستان پیروز شدند و کابل را با رهبری یونس قانونی تصرف کردند. امریکایی‌ها نیز طبق معمول در دقیقه ۹۰ عملیاتی در برخی شهرهای شمالی که با بمباران شهرها و زندان‌ها همراه بود و بسیاری کشته شدند، انجام دادند و تلاش کردند به‌همراه تبلیغات وسیع رسانه‌ای تغییر حکومت را به نام خود ثبت کنند.

**در مورد همکاری اقتصادی با شوروی قرارداد سال ۲۰۰۰ مهم بود. چه برنامه‌ها و اتفاقاتی مطرح شد؟**

برنامه جامعی در همه حوزه‌ها با برنامه‌ریزی‌های جدی و زحمات فراوان به مسئولیت بنده صورت گرفت. طبق معمول جلسات در وزارت اقتصاد تشکیل می‌شد. برنامه سال ۲۰۰۰ شامل موافقت‌نامه‌های حمل و نقل ریلی و جاده‌ای، انعقاد قرارداد فروش گاز به قیمت‌های بین‌المللی توسط وزارت نفت، توافقات حل و فصل مسائل بانکی و بازسازی و تکمیل نیروگاه‌های رامین اهواز و شهید منتظری و تکمیل ذوب‌آهن اصفهان به ظرفیت ۲/۱ میلیون تن و سایر پروژه‌های کلیدی گوناگون در

وزارتخانه‌های مختلف بود. اتفاقاً هنگام برگزاری اجلاس در مسکو برای قرارداد سال ۲۰۰۰ که اولین پروتکل بلندمدت با کشور دیگری بود، طبق معمول اجلاس مقدماتی با حضور وزیران اقتصاد دو کشور باید در مسکو برگزار می‌شد. معاونم آقای سیدعباس موسوی به من اطلاع داد: چون در اجلاس با میخائیل گورباچف، آقای هاشمی رفسنجانی ریاست هیأت ایرانی را برعهده دارد، لذا برای اجلاس مقدماتی وزرا، برخلاف معمول قرار است بهژاد نبوی وزیر صنایع سنگین به جای شما به اجلاس برود. گفتم: اولاً این خلاف ضوابط و رویه است، ثانیاً در این صورت اجلاس به نتیجه‌ای نخواهد رسید، چون وزارت اقتصاد مسئولیت کمیسیون دو کشور را داشته است. به علاوه سال‌ها کار کرده و به موضوعات اقتصادی مسلط بودیم، مع‌ذک آقای سیدعباس موسوی موضوع را با مرحوم حاج احمد آقا در میان گذاشت و با وی صحبت کرد.

سیدعباس موسوی نقل می‌کرد، حاج احمد آقا با آقای هاشمی صحبت کرد و قرار شد طبق ضوابط، اجلاس مقدماتی به ریاست اینجانب برگزار شود!

مرحوم حاج احمد آقا، انسان فرهیخته، جامع‌نگر و منصفی بود، ضمن اینکه نسبت به اینجانب و دیدگاه‌های بنده حسن ظن فراوانی داشت.

به‌رحال بنده اجلاس مقدماتی را مانند اجلاس‌های قبلی رفتم. برای اجلاس نهایی نیز آقای هاشمی را یک هیأت عالی رتبه از جمله آقایان ولایتی، محسن زمانی، حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت، امراللهی رئیس سازمان انرژی اتمی، آقاژاده وزیروقت و برخی وزرای دیگر و نمایندگان مجلس همراهی کردند. چون در خلال مذاکرات مقدماتی در مسکو در مقوله قیمت گاز توافق نداشتیم، برای طرح موضوع در مذاکره سران باقی ماند.

هاشمی رفسنجانی که جدیت و مهارت‌ن مذاکرات ما را در موضوعات مختلف شنیده بود و از روش من در مذاکرات مطلع بود، در جلسه هماهنگی که در مسکو با وی داشتم، گفت: «خیلی سخت‌گیری می‌کنید مراقبت کنید.» به‌رحال با این روند کارها خوب پیش می‌رود. در اجلاس سران در مورد قیمت گاز نیز، اول وزرای خارجه صحبت و بعد از آنها مسئول کمیسیون مشترک سخنرانی می‌کند. اگر به جای من آقای ولایتی در صحبت‌های خودش موضوع گاز را مطرح کند، وزیرهمکاری اقتصادی خارجی دولت شوروی در نوبت گزارش خود حتماً جواب می‌دهد. من آنجا می‌توانم جواب او را بدهم تا موضوع جا افتاده و به نتیجه برسیم. «آقای هاشمی موافقت کرد و با هماهنگی آقای ولایتی موضوع گاز را که اقتصادی بود در انتهای مسائل سیاسی مطرح کرد.» همان طور که پیش‌بینی می‌کردم، کاتاشف وزیر همکاری‌های اقتصادی خارجی شوروی توجیه‌تراشی کرد و من در گزارش نهایی خودم به تبیین این موضوع پرداختم و جواب دادم.

آقای هاشمی در جلسه رسمی با گورباچف روبه من گفت: مگرنظر شما چیست؟ از آنجا که در رژیم پهلوی گاز را با تخفیف حدود ۵۰ درصدی به شوروی باج‌گونه می‌فروختند، من به آقای هاشمی گفتم: ما می‌گوییم باید قیمت‌های بین‌المللی گاز مبنا باشد. سپس آقای هاشمی نظر طرف مقابل را جویا شد. کاتاشف بحث تخفیف و اینکه یک بار قطع صادرات از ایران به شوروی لطمه زده است را مطرح کرد. آقای هاشمی با اوقات تلخی به گورباچف گفت: «مگر شما گدائید که تخفیف می‌خواهید.» آقای ولایتی با دستپاچگی به مترجم روسی ایران گفت

ترجمه نکن، اما مترجم فارسی گورباچف موضوع را منتقل کرده بود، البته آقای گورباچف خیلی از آن جمله هاشمی جا خورده بود. در هر حال قیمت‌های بین‌المللی از سوی آنها پذیرفته شد. من هم ضمن نوشتن یادداشت‌های خود، اعلام کردم آقای گورباچف، از موافقت جنابعالی متشکرم. یعنی تا‌نگید براینکه این موضوع جای چانه‌زنی بعدی ندارد، ولی آن جمله آقای هاشمی که با غیظ در حالی که مورتش سرخ شده بود گفت و گورباچف جازد و بلافاصله پذیرفت، خاطره شیرینی بود و موضوع طبق برنامه‌ریزی قبلی من و آقای هاشمی نتیجه داد.

یکی از نکات جالب در روابط اقتصادی با اتحاد شوروی این بود که مذاکرات بار حقوقی داشت. زیرا به جای امضای یادداشت تفاهم MOU که تعهدآور نبود، پروتکل همکاری‌ها امضا می‌شد. با امضای پروتکل اجلاس سیزدهم کمیسیون همکاری‌های ایران و اتحاد شوروی برای اولین بار قرارداد قدیمی ۱۹۳۶ احیا شد که مطابق آن هر دو کشور در دریای مازندران و منابع آن و ذخایر زیربستر به صورت مشاعی مالکیت و سهم دارند.

این قرارداد متروک شده بود و تا آن موقع یعنی تا زمان پهلوی در عمل تا ۱۲ مایلی ساحل ایران بیشتر نمی‌توانستیم حضور داشته باشیم. با این احیا در واقع هم به صورت اسنادی و هم عملیاتی عینی با خرید کشتی ایران بشیر توسط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران توانستیم تا بندر آستاراخان، شمالی‌ترین نقطه دریای مازندران با پرچم زیبای سه رنگ جمهوری اسلامی ایران تردد را آغاز کنیم. البته این موضوع قصه طولانی دارد، اول از شوروی خواستیم کشتی بخیریم، وقت‌کشی کردند و نفروختند، در مرحله دوم به بلغارها سفارش ساخت کشتی دادیم و

پس از مدتی پروژه عقب ماند. متوجه شدیم تحت فشار روس‌ها نمی‌فروشد. در مرحله سوم با تخفیف ارز نقد، آن هم در زمان محدودیت ارزی، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران از آلمان غربی کشتی خرید و مجوز عبور از هامبورگ از طریق رودخانه طویل ولگان در از شوروی گرفتیم و کشتی از شمال اروپا تا آستاراخان توسط دریانوردان ماهر ایرانی مدیریت شد. در آن نقطه شوروی کشتی نایوگیتور (راهنما) نمی‌داد و تا آن موقع ترددی از آنجا نبود و می‌گفتند: شناورهای نظامی شوروی هم در منطقه زیاد است اما دریانوردان شجاع ایرانی گفتند حاضریم و بدون شجاعت ایرانی نمی‌توانیم از آستاراخان وارد دریای مازندران شویم. این اتفاق افتاد و به بندر انزلی آمدند تا حق حاکمیت ملی ایران به طور مشاع و مساوی با شوروی در آب‌های مازندران برای اولین بار عملی و تثبیت شود. این یکی از شیرین‌ترین خاطرات من در وزارت اقتصاد است. در مورد تردد کامیون‌های ایرانی تا بندر نوریسبک دریای سیاه هم چنین اتفاقات مشابه خوبی رخ داد. طی پروتکل امضا شده، اختیار تردد کامیون‌های ایرانی را گرفتیم و در مورد راه آهن، شوروی‌ها هر کاری کردند این اختیار را ندادیم که قطارهای آنان به ایران بیایند. حتی یادم هست برای این کار، وزیر راه او را دیدیم خیلی اصرار می‌کرد. من دوستانه به او گفتم: «هردم ما حساس هستیم و حاضرند روی ریل بخواهند ولی این اجازه را نمی‌دهند، شما هم اصراری نداشته باشید.» علاوه بر اینکه آنها در مورد تردد متقابل کامیون‌های شوروی را رشت درخواست می‌کردند که من نپذیرفتم.

قرار بود کمیسیون ساعت ۳ بعد از ظهر تمام شود. علیرغم حضور همه در جلسه به دلیل اختلاف درباره راه و قطار و یک مورد دیگر، کمیسیون را تا ساعت سه بامداد یعنی ۱۲ ساعت به تعویق انداختم. همه خسته شده بودند و ما در حاشیه، مذاکره را ادامه می‌دادیم. بعد آقای مهندس مدنی رئیس ایرانی کمیته فرعی کمیسیون حمل و نقل ایران و شوروی وسط مذاکره در گوش من گفت: «آقای ایرانی همین الان هم کامیون‌ها به شما عملاً تا رشت می‌آیند.» جواب دادم: «چرا تا حالا نگفتی؟» مع‌ذک باز هم با طرف شوروی چانه‌زنی کردم و نپذیرفتم. تا اینکه با تأمین نظرات ما و بدون دادن مجوز تردد به قطار و کامیون شوروی در ایران توافقی آنها را گرفتیم

**به جای امضای یادداشت تفاهم MOU که تعهدآور نبود، پروتکل همکاری‌ها امضا می‌شد. با امضای پروتکل اجلاس سیزدهم کمیسیون همکاری‌های ایران و اتحاد شوروی برای اولین بار قرارداد قدیمی ۱۹۳۶ احیا شد که مطابق آن هر دو کشور در دریای مازندران و منابع آن و ذخایر زیربستر به صورت مشاعی مالکیت و سهم دارند. این قرارداد متروک**

**شده بود و تا آن موقع یعنی تا زمان پهلوی در عمل تا ۱۲ مایلی ساحل ایران بیشتر نمی‌توانستیم حضور داشته باشیم. با این احیا در واقع هم به صورت اسنادی و هم عملیاتی عینی با خرید کشتی ایران بشیر توسط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران توانستیم تا بندر آستاراخان، شمالی‌ترین نقطه دریای مازندران با پرچم زیبای سه رنگ جمهوری اسلامی ایران تردد را آغاز کنیم**

و ساعت سه صبح در حالی که همه خواب‌آلود و قیافه‌ها دبدنی بود، مراسم رسمی امضای پروتکل انجام شد. من شاد و خوشحال صحبت‌های تشریفاتی امضای پروتکل را با همتای شوروی به پایان رساندم و سپس مستقیماً محل اجلاس در فرودگاه مسکو رفتم. ولی در ارمنستان زلزله آمده بود و تمامی پروازها جهت کمک به زلزله‌زدگان به ارمنستان می‌رفتند. با لغو پروازها چند ساعت در فرودگاه منتظر شدیم تا مجبور شدیم یک هواپیمای کوچک چارتر کنیم و به تهران برگشتیم. هم اکنون و پس از ده‌ها سال، اهمیت روابط راهبردی با کشورها در دستور کار کشورهای بارشده بالا می‌باشد که این‌گونه همکاری‌های دوجانبه با اتحاد‌های سه‌جانبه و اتحادیه‌سازی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تکامل می‌یابد. به نظر می‌رسد در شرایط حاضر علیرغم ابتلاع سیاست‌های کلی، برخی کشورها نظیر ترکیه کمیسیون‌های همکاری‌های راهبردی سه‌جانبه با پاکستان و افغانستان برگزار می‌کنند یا با کشورهای دریای سیاه، کشورهای ترک زبان و برخی کشورهای عربی در قالب کمیسیون‌ها اهداف راهبردی اقتصادی را دنبال می‌کنند و هنوز در داخل، برخی از اهمیت آن غافل هستند و شاید آن را مانعی برای حفظ و گسترش همکاری‌های وثیق و گسترده با کشورهای غربی ارزیابی می‌کنند و هنوز از جابه‌جایی ملاقات‌های اقتصادی جهان غافلند که آینده‌کانون اقتصادی جهان در آسیاست.

**چه خاطراتی از سفرهای این کمیسیون‌های مشترک دارید؟**
در جریان سفر به کشورهای اسلامی برای برگزاری کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و پاکستان از هیأت ایرانی پذیرایی محترمانه و شایسته‌ای صورت گرفت. آن زمان ضیاء‌الحق رئیس جمهور پاکستان بود. پس از دیدار رسمی هیأت ایرانی با وی، ضیاء‌الحق درخواست ملاقات خصوصی کرد که موافقت کردم. ما را با بالگرد به اقامتگاه تاپستانی رئیس جمهور بردند. پس از اقامه نماز جماعت به امامت یک روحانی، ناهار نسبتاً مختصری که تدارک دیده شده بود صرف شد. ضیاء‌الحق در آن ملاقات پیشنهاد میانجی‌گری بین عربستان و ایران را مطرح کرد. در سال ۱۳۶۶ فاجعه مکه و کشتار تعداد زیادی حاجی ایرانی در مراسم حج و برائت از مشرکین اتفاق افتاده بود و امام(ره) فرموده بودند: «اگر از صدام بگذرم، از عهد نمی‌گذرم.» پس از طرح موضوع توسط وی و اینکه دو کشور بایستی اختلافات را پشت سر بگذارند، من هم عنوان کردم که موضوع را منتقل می‌کنم. به وی گفتم: یک موضوع را می‌خواهم برای شما بیان کنم «من در مورد حجابیان زخمی با هواپیما به تهران، همراه با آقای نخست‌وزیر به استقبال آنان به فرودگاه مهرآباد رفتم. داخل هواپیمای ۷۴۷ باری شدیم. صحنه‌های وحشتناکی بود. یکی از افرادی را که از دو چشم آسیب دیده بود، به اصطلاح در بیمارستان‌های سعودی معالجه کرده بودند، وقتی او را دیدیم جا خوردیم، زیرا از روی گونه‌تا آبروی او را بهم دوخته بودند و چهره عجیبی پیدا کرده بود. یعنی با زخمی‌های ما هم این‌گونه رفتار کرده بودند که دور از انسانیت بود. اتفاقاً همین فرد وقتی متوجه شد نخست‌وزیر با وی صحبت می‌کند، می‌خواست که وی را در آغوش بگیرد، ولی کوی شده بود وقتی نخست‌وزیر وی را بغل کرد فرد زخمی دلداری می‌داد که مهم نیست امام سلامت باشد. به آقای ضیاء‌الحق گفتم این رفتارها تأثیرات خود را در فضای جامعه

ایران می‌گذارد. نکته جالب در دیدار با رئیس جمهور پاکستان این بود که وی از من خواست تا وقتی به تهران برگشتم برای او کتاب کزراه نوشته احسان طبری را تهیه و ارسال کنم. این کتاب تازه چاپ شده بود. من هم وقتی به تهران برگشتم، کتاب را تهیه و برایش ارسال کردم. کزراه‌های طبری تأثیرات فاحشی بر فرو ریختن باورهای کمونیستی داشت. بویژه اینکه آقای احسان طبری جزء تئوریسین‌های برجسته حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بود.

در جریان سفر به سوریه به همراه وزیر بازرگانی عابدی جعفری و رفیق دوست وزیر سپاه عازم دمشق بودیم که هواپیمای مسافری پرواز کرده بود. علیرغم اینکه بموقع در فرودگاه حضور داشتیم، جا ماندیم. به هر حال پیگیری کردیم، قرار شد با یک هواپیمای کوچک فالکن برویم. چون زمان جنگ بود مجوز پرواز از طرف ترکیه لازم بود. معمولاً از ناحیه مثلثی بین ترکیه و عراق و ایران عبور صورت می‌پذیرفت. چند وقت پیش، جنگنده‌های عراقی هواپیمای بن یحیی وزیر امور خارجه جعفری را که از ترکیه به ایران می‌آمد، در همین نقطه سرنگون کرده و وی را کشته بودند. به هر حال مجوز آمد: با خلبان جسور و باشهامت فالکن صحبت کردیم. گفت که ارتفاع را در این نقطه مثلثی کم می‌کند تا در صفحه رادار عراقی‌ها ثبت نشود و سپس اوج می‌گیرد و با دور زدن عراق به دمشق می‌رویم. با عابدی جعفری و رفیق دوست مشورت کردم، همه موافقت کردند.

قرار شد خالد الحسن سفیر سوریه هم با ما به دمشق بیاید. به او گفتم: «آقای سفیر! این سفر همراه با ریسک بسیار است و ما، شما را مجبور به آمدن نمی‌کنیم، ولی این ریسک را خودمان می‌پذیریم.» متأثر شد و گفت: «چطور شما خود را برای سفر به کشور من به خطر می‌اندازید ولی من به خودم فکر کنم؟! او! بسیار از سفر شما در این شرایط تشکر می‌کنیم و این سفر پراز ریسک را هرگز فراموش نخواهیم کرد. ثانیاً حتماً با شما می‌آیم.» در هر حال وی همراه ما به سوریه آمد. اصولاً برگزاری کمیسیون‌های مشترک را از حالت تشریفاتی خارج و خیلی پرحوصله و با دقت و مبتنی بر واقعیت‌های موجود و ظرفیت‌های کشور بسیار فعال کردیم. همچنین در شرایط تحریم نیز شرکای راهبردی خارجی را در همین همکاری‌ها ارزیابی می‌کردیم. لذا حق این است که شرکای راهبردی اعم از کشورها یا شرکت‌های بزرگ که در دوران محدودیت‌ها صداقت خود را نشان می‌دهند، باید در دوران گشایش در اولویت باشند تا در صورت تکرار شرایط، همکاری بیشتری میان ما و آنها وجود داشته باشد و روابط خارجی از یک منطق مشخص و پایدار تبعیت کند. نفس برگزاری این کمیسیون‌ها موجبات تأسیس و گسترش ترتیبات انتقال و پرداخت‌های تجارت خارجی از قبیل روابط نهاتری و یا از طریق BTC با کمپانی‌های اقتصادی و یا روابط پولی دوجانبه می‌شد که متأسفانه علیرغم جنگ ارزی و رشد این نظامات پرداخت حتی بین کشورهای آزاد جهان مثل ژاپن و کره جنوبی به دلیل بیش بود کردن منافع ارزی و قدرت خرید خارجی کشورها، کشور ما به این موضوع بی‌اعتناست که قطعاً به زیان منافع ملی می‌باشد. خلاصه اینکه در آن زمان هر سیاستی که برخلاف منافع ملی بود، قاطعانه کنار گذاشته می‌شد و اگر به سود منافع ملی بود، در دستور کار و اقدام قرار می‌گرفت.

## تاریخ شفاهی



**شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در زمان تصدی شما در وزارت اقتصاد، در روابط اقتصاد خارجی تحول به وجود آمد. می‌توانید در این رابطه توضیح دهید؟**

یکی از دو هدف کلان تأسیس وزارت اقتصاد تنظیم روابط و همکاری‌های اقتصادی خارجی است. بنابراین، در دوران وزارت‌م سعی کردم تا روابط اقتصادی بین‌المللی در راستای تحقق این هدف را بطور گسترده احیا و عملیاتی کنم. بدین منظور وزارت اقتصاد کمیسیون‌های مشترک اقتصادی با کشورهای یوگسلاوی، اتحاد جماهیر شوروی، آلمان غربی، مالزی، پاکستان، سریلانکا، سوریه و... را به عهده گرفت. ستاد هماهنگی روابط اقتصاد خارجی در وزارت امور خارجه تشکیل می‌شد و البته نقش وزارت امور خارجه هماهنگی بود. لیکن عملاً دستگاه‌ها در اجرای امور اقتصاد خارجی تا حدودی، شکلی عمل می‌کردند.

از طرفی در زمان مسئولیت من وزارت اقتصاد خیلی فعال شده بود و من جلسات پیگیری مصوبات را شخصاً و با دعوت از معاونین وزارتخانه‌ها انجام می‌دادم. این مطلوب وزارت امور خارجه بود و باعث شد کمیسیون‌های همکاری تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورها را، به وزارت اقتصاد بدهند. ضمناً آقای نخست‌وزیر که جلسات کمیسیون سیاسی را تشکیل می‌داد، در آن جلسه مقرر کرد دبیرخانه ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی به وزارت اقتصاد منتقل شود و نام آن، ستاد تنظیم روابط اقتصادی خارجی گذاشته شد. این ستاد با حضور فعال معاون وزیر امور خارجه جواد لاریجانی آغاز به کار کرد و جلسات خود را با قوت ادامه داد و ستاد تنظیم روابط اقتصادی خارجی با مسئولیت وزارت اقتصاد و عضویت وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه‌های اقتصادی کشور در وزارت اقتصاد تشکیل و جایگزین ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی که قبلاً در وزارت امور خارجه تشکیل شده بود، گردید. در واقع مسائل روابط اقتصادی خارجی به صورت تخصصی ترو با تشکیل جلسات



### دلیل تراشی برای قیمت‌گذاری گاز ایران

آقای هاشمی رفسنجانی که جدیت و مهارت مذاکرات ما در موضوعات مختلف شنیده بود و از روش من در مذاکرات مطلع بود، در جلسه هماهنگی که در مسکو با وی داشتم، گفت: «خیلی سخت‌گیری می‌کنید، مراقبت کنید.» گفتم: «به‌رحال با این روند کارها خوب پیش می‌رود. در اجلاس سران در مورد قیمت گاز نیز، اول وزرای خارجه صحبت و بعد از آنها مسئول کمیسیون مشترک سخنرانی می‌کنند. اگر به جای من آقای ولایتی در صحبت‌های خودش موضوع گاز را مطرح کند وزیر همکاری‌های اقتصادی خارجی شوروی در نوبت گزارش خود حتماً جواب می‌دهد. من آنجا می‌توانم جواب او را بدهم تا موضوع جا افتد و به نتیجه برسیم.» آقای هاشمی موافقت کرد و با هماهنگی آقای ولایتی موضوع گاز را که اقتصادی بود در انتهای مسائل سیاسی مطرح کرد. همان‌طور که پیش‌بینی می‌کردم کاتاشف، وزیر همکاری‌های اقتصادی خارجی شوروی توجیه‌تراشی کرد و من در گزارش نهایی خودم به تبیین این موضوع پرداختم و جواب دادم.

**بشر**